جبر و مقابله عمر و عاص و میرزا علی اصغر خان اتابک

گلچین معانی، احمد

دانشمند فقید مرحوم عبد الحسین خان بیات در کتابخانه شخصی خود نسخه‏های خطی کم‏نظیری داشت.یکروز در کتابفروشی تهران واقع در خیابان لاله‏زار که محل اجتماع ادبا و فضلا بود و ایشان هم حضور داشت، دانشجویی وارد شد و یک جلد کتاب درسی جبر و مقابله خواست،مرحوم‏ بیات بدوستان حاضر گفت:من نسخهء کهنسال و نفیسی از جبر و مقابلهء ابو موسی اشعری دارم(بجای ابو موسی خوارزمی)فاضل گرامی سید باقر طلیعه گفت:نه بیات!آن خوب نیست.جبر و مقابلهء عمرو عاص خوبست!

میرزا علی اصغر خان اتابک در انجمن سادات اخوی

از مرحوم سید محمد فصیح الزمان واعظ شیرازی متخلص به رضوانی‏ شنیدم که شبی میرزا علی اصغر خان اتابک که در شعر قدسی تخلص میکرد، به انجمن ادبی سادات اخوی رفت.مرحوم حاج میر سید علی تقوی(اخوی) مؤسس انجمن از وی درخواست کرد تا شعری بخواند.اتابک پشت میز خطابه‏ رفت و شروع کرد به خواندن قصیده‏یی به مطلع ذیل:

من نگویم که من سخندانم‏ بلکه در قالب سخن جانم

تا رسید به این بیت:

من نه مهمان و لقمه‏خوار کسم‏ کاینات است جمله مهمانم

یکی از اقصای مجلس برخاست و با لحن مؤدبانه‏یی گفت:مکرر بفرمایید،اتابک نگاهی به وی افکند و پس از قدری مکث بیت را تکرار کرد.

آن مرد گفت:

یکی از جمله کائنات منم‏ خانهء میزبان نمیدانم

حاضران خندیدند و اتابک به او گفت:تو باش.و در پایان مجلس‏ او را فراخواند و پرسید.اسمت چیست؟حسین،گفت شغلت؟گفت: بقال.گفت معلوم میشود طبع نظر هم داری؟گفت:ای.آبی روی دست شعرا میریزیم.گفت:این صد تومان را بابت صلهء آن بیت بگیر و باز هم پیش من بیا.